

بررسی حلیت بوی خوش و همسر در فرض تقدیم اعمال مکه

علی اکبر غفاری^۱

چکیده

تحقیق حاضر، در صدد بررسی زمان تحلل از بوی خوش و همسر، در فرضی است که مُحرم، اعمال مکه را زودتر از موعد و قبل از وقوف در سرزمین عرفات انجام دهد. نتایج این پژوهش، که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با تحلیل اسناد شرعی به دست آمده، حاکی از اختلاف نظر فقها در این مسئله و پیدایش دو قول در آن است. قول اول، معتقد است با انجام شدن اعمال مکه، حلیت از بوی خوش و همسر محقق می‌گردد و تفاوتی در زمان انجام اعمال مکه نیست. در مقابل، نظریه دیگر می‌گوید در صورتی پس از انجام اعمال مکه، تحلل از بوی خوش و همسر حاصل می‌شود که حجگزار این اعمال را در محل و زمان خودش یعنی پس از اتمام اعمال منا به جا آورد؛ اما چنانچه به واسطه عذری مجاز به تقدیم اعمال مکه بر وقوفین باشد، تحلل پس از اتمام اعمال منا حاصل می‌شود. پس از بررسی ادله هر یک از پیروان این دو نظریه، چنین به نظر می‌رسد که حق، به جانب کسانی است که معتقدند زمان تحلل، پس از اتمام اعمال مناست؛ در این صورت حجگزارانی که اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام می‌دهند، باید تا انتهای اعمال منا از بوی خوش و همسر بپرهیزند.

کلیدواژه‌ها: تحلل، تقدیم، اعمال مکه، وقوفین، بوی خوش.

مقدمه

مطابق نظر فقیهان امامیه، حجگزاران پس از انجام عمره تمتع، باید برای انجام دادن اعمال حج، پس از نیت، در شهر مقدس مکه مُحرم شوند و حداکثر تا ظهر روز نهم ذی حجه همان سال، راهی سرزمین عرفات، و برای وقوف در آن سرزمین مهیا شوند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۳۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۰۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۷۵).

زمان واجب برای وقوف در این سرزمین، از زوال روز نهم تا غروب آفتاب است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۷۰) و پس از آن، وقوف در سرزمین مشعرالحرام یا مزدلفه و سپس سرزمین منا صورت می‌گیرد. حجگزاران در روز عید، موظف‌اند نخست رمی جمره عقبه را انجام دهند و سپس قربانی کنند و پس از انجام دادن حلق یا تقصیر، از احرام بیرون می‌آیند و تمام محرمات احرام، جز بوی خوش و همسر بر آنها حلال می‌شود (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۵۵) و قبل از انجام دادن اعمال مکه، استعمال بوی خوش و استمتاع از همسر برای آنان جایز نیست.

آنچه بیان شد، حکم صورتی است که حجگزار بخواهد اعمال حجش را به ترتیبی که گذشت انجام دهد؛ اما برخی حجاج به دلیل عذری که دارند مانند ترس از پیشامد قاعدگی یا نفاس، بعد از رجوع از منا و ممکن نبودن صبر تا زمان حصول طهر یا عجز از طواف بعد از بازگشت از منا به دلیل ازدحام جمعیت یا مریضی یا علم به عدم امکان انجام اعمال مکه بعد از اعمال منا تا آخر ذی حجه (خمينی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۲)، مجازند قبل از رفتن به عرفات و وقوف در این سرزمین، به مسجدالحرام بروند و اعمال مکه را زودتر از موعدش به جا آورند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۴۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵۲؛ موسوی

عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۱۸۶؛ محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۵۶۰؛ خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹۴). در این صورت، این سؤال مطرح می‌شود که تحلل از بوی خوش و همسر، چه زمانی برای این دسته از حجگزاران معذور حاصل می‌شود. آیا آنان مانند دیگر حجاج، باید از بوی خوش و همسر تا پایان اعمال منا بپرهیزند یا با انجام دادن اعمال مکه، هرچند زودتر از موعد، تحلل از این دو مُحَرَّم از محرمات احرام حاصل می‌شود و آنان فقط باید از دیگر محرمات احرام اجتناب کنند؟

اگرچه درباره محرمات احرام و زمانی که حلیت از آنها برای حجاج حاصل می‌شود، به تفصیل در کتب فقهی و مناسک حج سخن گفته شده است، در کمتر کتاب فقهی، استدلال‌های فقیه در موضوع مورد گفت‌وگو یافت می‌شود. جست‌وجو در مقالات نیز حاکی از این است که در خصوص زمان تحلل در فرض تقدیم اعمال مکه بر وقوفین، تحقیق مستقلی صورت نگرفته و اندک مقالات موجود نیز به بررسی تحلل در فرض صد و حصر پرداخته‌اند. از آنجا که در مراسم حج، تقدیم اعمال مکه برای حجاج معذور فراوانی اتفاق می‌افتد و محل ابتلای افراد بسیاری است، تحقیق در این مسئله ضروری می‌نماید؛ به‌ویژه که می‌تواند مجموع ادله و استدلال‌های مربوط به موضوع مورد گفت‌وگو را در یک‌جا برای فقه‌پژوهان در عرصه حج جمع کند و روشن و منقح شدن زوایای پنهان مسئله را در پی داشته باشد. به علاوه، پژوهش حاضر روشی نو در نقد ادله را در پیش گرفته و کوشیده است قرائن موجود در روایات را به نفع هر دو قول احصا و نقد کند. به هر روی، قبل از بررسی حکم مسئله، مناسب است آرای فقها را در این زمینه پی بگیریم.

اقوال فقها

دو دیدگاه در این باره از فقیهان امامیه مطرح شده است:

۱. حصول حلیت

شهید ثانی رحمته الله علیه در فرض تقدیم اعمال مکه، قول نیکوتر را حصول حلیت با انجام دادن اعمال مکه دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۵). از کلام محقق سبزواری در ذخیره نیز تمایل ایشان به حصول حلیت بعد از اعمال مکه، هر چند مقدم شده باشند، استفاده می شود (محقق سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۶۸۵). برخی فقهای معاصر نیز معتقد شده اند محل حصول حلیت، که همان بعد از انجام دادن اعمال مکه باشد، به حال خود باقی است و تقدم و تأخر به جا آوردن اعمال، مضر به تحقق تحلیل پس از انجام دادن این اعمال نیست (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۸۰).

۲. عدم حصول حلیت

نظریه عدم حصول حلیت، طرفداران بسیاری دارد و اگر آن را قول مشهور در این مسئله بدانیم، سخن گزارفی نیست. فقیهان بسیاری همچون شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۵۷)، صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۵۸)، محقق حکیم (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۴۱۲)، محقق خوئی (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۵۴)، محقق بحرانی (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۳)، آیت الله سبحانی (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۱۳) و دیگر مراجع معاصر (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۴۵۲)، به اتفاق این نظریه را برگزیده اند.

مستند اقوال

۱. قائلین به حصول حلیت

این دسته از فقها در اثبات نظریه خود به ادله ذیل استناد کرده اند:

یک - اطلاق روایات

۱. روایت صحیح معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام:

وقتی مرد، ذبح و حلق را انجام دهد، همه محرّمات احرام، جز مباشرت با همسر و بوی خوش بر او حلال می گردد. پس هرگاه طواف زیارت و سعی را انجام دهد، همه محرّمات احرام، جز مباشرت با همسر بر او حلال می شود و زمانی که طواف نساء را انجام دهد، تمام محرّمات احرام جز صید بر او حلال می شود (حرمت صید به دلیل قرار گرفتن حجگزار در منطقه حرم است) (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۰۷).

۲. روایت صحیح منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام:

از حضرت درباره مردی پرسیدم که رمی و حلق را انجام داده است که آیا می تواند غذایی را که زعفران دارد، بخورد. فرمودند: «نه؛ تا اینکه طواف زیارت و سعی را انجام دهد که در این صورت، همه محرّمات جز مباشرت با همسر بر او حلال می شود تا اینکه طواف نساء را انجام دهد که بعد از آن، مباشرت با همسر نیز بر او حلال می گردد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۴۵).

۳. روایت صحیح معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام:

درباره انجام دادن طواف زیارت در روز عید قربان فرمودند: خانه کعبه را زیارت کن... سپس نزد کوه مروه رفته و از آن بالا برو و بین صفا و مروه، هفت دور طواف کن؛ درحالی که از صفا شروع و به مروه ختم می کنی. وقتی چنین کنی، همه محرّمات احرام، جز مباشرت با همسر بر تو حلال می شود. سپس به سمت کعبه برگرد و هفت دور دیگر طواف کن. پس از آن، دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم به جا آور. در این صورت، همه محرّمات بر تو حلال می شود و از انجام دادن مناسک حج و هر آنچه از آن مُحرّم شده بودی، فارغ می شوی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۱).

۴. روایت دوم صحیح منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام: «اگر در احرام تمتع

هستی، به چیزی که زعفران دارد، نزدیک نشو تا طواف زیارت را انجام دهی» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۴۵).

تقریب استدلال:

در این روایات، حلیت بوی خوش و همسر، به طور مطلق - خواه مقدم انجام شود یا در موعد خود - به انجام دادن طواف زیارت، سعی و طواف نساء منوط شده است.

اشکال:

برخی، اطلاق را در این روایات منتفی دانسته و به دلیل احتمال جزء العله بودن طواف برای حصول حلیت، احتیاط را متعین دانسته و چنین نگاشته‌اند:

روایت مطلق در این باره نیست تا بتوان به اطلاقش تمسک جست و آنچه از ادله موجود است، دلالت دارد بر اینکه طواف بعد از حلق و نه به طور مطلق، موجب حلیت از طیب می‌شود و نمی‌توان پذیرفت بعدیت خصوصیت داشته باشد؛ و إلا باید فردی که طواف را مقدم انجام داده، بعد از حلق نیز دوباره طواف را انجام دهد؛ درحالی که کسی به این مطلب قائل نیست و با حکم به جواز اکتفا به طواف مقدم نیز منافات دارد؛ پس امر دایر بین دو احتمال است:

۱. موضوع تحلل، مجموع مرکب و هر عملی، محقق مرتبه‌ای از حلیت باشد؛

۲. موضوع حلیت، ذات طواف باشد به هرگونه که محقق شود.

و چون به طور جزم نمی‌توان یکی از دو احتمال را برگزید، پس احتیاط متعین می‌گردد (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۳۰).

دو - روایاتی که بیان می‌کند حجگزار، چه بخواهد یا نخواهد، بعد از انجام دادن

طواف و سعی مُجَل می‌شود

روایت موثق زراره از امام باقر علیه السلام: از حضرت شنیدم که فرمودند: «هرکس طواف و سعی را انجام دهد، دوست داشته باشد یا نه، مُجَل می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۹۹).

از این روایت استفاده می‌شود که نفس انجام دادن طواف و سعی، موجب ایجاد

تحلل است؛ از این رو در برخی روایات آمده که اگر حجگزار، طواف را مقدم بر وقوفین انجام داد، لبیک بگوید تا دیگر اعمال در حالت احرام صورت گیرد. اشکال:

در پاسخ به روایات مورد استناد فوق نیز گفته شده است اگرچه از برخی اخبار استفاده می‌شود بعد از طوافی که مقدم شده، لازم است تلبیه گفته شود تا دیگر اعمال در حالت احرام صورت گیرد، با این حال مشکلی به وجود نمی‌آید؛ زیرا این احرام، احرام از دیگر امور حلال غیر از بوی خوش و همسر در فرض تقدم طواف نسااست (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۸۰).

۲. قائلین به عدم حصول حلیت

این دسته از فقها در اثبات نظریه خود، به ادله ذیل استناد کرده‌اند:

۱. روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام حضرت فرمودند:

از حلال‌های خداوند، بهره بردن از زنان است که در قرآن آمده و در حج تمتع، خداوند این دو را حلال نموده و پس از آن حرام نکرده... اگر خواستی حج تمتع انجام دهی، از وادی عقیق به نیت عمره تمتع محرم شو و وقتی به مکه رسیدی، طواف کن و استلام حجر نما؛ از آن شروع کن و به آن هفت دور را ختم کن. سپس نزد مقام ابراهیم، نماز طواف را به جا آور. سپس از مسجد بیرون رو و سعی را انجام بده؛ از صفا شروع، و به مروه ختم می‌کنی. پس از آن، تقصیر کن و یوم‌التروییه، مانند روزی که در عقیق محرم شدی، احرام ببند و بین رکن و مقام به نیت حج تمتع محرم شو. پیوسته در احرامی تا وقوف را انجام دهی، رمی جمره نموده و ذبح و غسل کنی. سپس طواف زیارت را انجام بده. اگر چنین کنی، محل می‌شوی و این همان سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: «هر کس حج تمتع به جا می‌آورد، پس آنچه برایش از قربانی میسر است، قربانی کند» یعنی ذبح نماید (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۳۵).

۲. انصراف روایات مطلق به طواف و سعی متأخر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۵۸): به این معنا که روایاتی که به طور مطلق بیان می‌کنند بعد از انجام اعمال مکه - خواه مقدم بر وقوفین انجام شده باشند یا بعد از اعمال منا - بوی خوش و همسر بر حجگزار حلال می‌گردد، به صورتی انصراف دارد که طواف و سعی، بعد از اعمال منا و در زمان خودش و نه زودتر انجام شده باشند.

اشکال:

بر این استدلال، اشکال شده که انصراف مورد ادعای آنان، بدوی است و اعتبار ندارد و نمی‌تواند قرینه همراه با کلام، و موجب تقيید باشد؛ از این رو تقدم و تأخر در انجام دادن اعمال مکه، مضر به تحلیل نیست (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۸۰).

۳. احتمال جزء العله بودن طواف و سعی در تحلیل: به این معنا که احتمال دارد آنچه باعث حلیت محرمات احرام می‌شود، مجموعه‌ای از طواف و سعی و اعمال ماقبل بوده و سعی، جزء العله در ایجاد حلیت باشد. از این رو، حصول حلیت با اعمال مکه در فرض تقدم اعمال بر وقوفین، دارای اشکال است و مُحرم با انجام دادن اعمال مکه، به تنهایی و قبل از انجام وقوف و دیگر اعمال، به حلیت بوی خوش و همسر یقین پیدا نمی‌کند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۵۸؛ حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۳۰).

۴. اصل عدم تحلل: توضیح اینکه حجگزار وقتی در مکه برای انجام دادن اعمال حج تمتع مُحرم می‌شود، یقین پیدا می‌کند برخی امور بر وی مانند بوی خوش و استمتاع از همسر، به دلیل مُحرم شدن حرام می‌گردد. چنانچه وی پس از انجام دادن اعمال مکه، زودتر از موعد، در حلیت بوی خوش و همسر نسبت به خود شک کند، می‌تواند به اصل عدم تحلل از این دو تمسک جوید و حرمت یقینی سابق نسبت به این دو را استصحاب کند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۵۸).

نقد و بررسی و بیان قول مختار

با توجه به استدلال‌های مختلفی که از فقها درباره حصول و عدم حصول حلیت درباره بوی خوش و همسر در فرض مقدم ساختن اعمال مکه گذشت، به نظر می‌رسد علت تفاوت آراء، اختلاف در این مطلب است که آیا حلیت از بوی خوش و همسر با انجام دادن اعمال مکه، چه مقدم و چه مؤخر صورت پذیرد، حاصل می‌شود یا چنانچه برخی نیز به آن تصریح کرده‌اند، مترتب بر اعمال مناسبت؛ به عبارت دیگر، آیا از روایات دال بر حصول حلیت با انجام اعمال مکه، اطلاقی برداشت می‌شود یا امکان اطلاق‌گیری وجود ندارد.

چنان‌که گذشت، قائلین به حصول حلیت، به اطلاق ادله استناد کرده‌اند؛ اما قائلین به عدم حصول حلیت، معتقدند اطلاق مورد ادعا، منصرف به طواف و سعی متأخر است. این انصراف از طرف برخی دیگر از فقها مورد اشکال واقع شد؛ با وجود این، به نظر می‌رسد نمی‌توان به اطلاق روایات تمسک کرد؛ زیرا این روایات از این حیث در مقام بیان نیستند و بر مطلبی بیش از تبیین مناسک حج و لزوم پرهیز از بوی خوش و همسر قبل از انجام اعمال مکه دلالت ندارند. به علاوه، چنان‌که برخی مراجع معاصر نیز معتقد شده‌اند، روایات دال بر جواز تقدیم اعمال مکه درباره معذورین، فقط بر جواز تقدیم دلالت دارند؛ اما ترتب دیگر آثار مانند حلیت طیب و زنان، با انجام دادن زودتر از موعد اعمال مکه، نیازمند دلیل است که وجود ندارد (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۱۳).

با وجود این، برگزیدن هریک از این دو نظر، مستلزم واکاوی روایات و دیگر ادله‌ای است که محل حاصل شدن حلیت در حج را بیان کرده. در این صورت، می‌توان گفت:

در دو روایت نقل‌شده از معاویه بن عمار، اگرچه حلیت بوی خوش و همسر به انجام طواف زیارت، سعی و طواف نساء منوط شده است، به نظر می‌رسد فای

عاطفه در فقره «فإذا زار البيت» و «فإذا طاف طواف النساء»، ظهور دارد در اینکه انجام اعمال مکه بعد از اعمال منا مفید حلیت است؛ به این معنا که اعمال منا جزء علت، و اعمال مکه جزء دیگر تحقق حلیت است؛ مگر اینکه گفته شود بعدیت مستفاد از این روایات، فقط دال بر ترتیب اعمال است و بالتبع با رعایت ترتیب، حلیت از بوی خوش و همسر، بعد از انجام اعمال مکه حاصل می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد بعدیت مستفاد از این روایات در بیان جزء العله بودن اعمال مکه، ظهور قوی‌تر دارد؛ زیرا امام علیه السلام در مقام تبیین اعمال و مناسک حج و بالتبع، زمان و سبب حلیت از محرمات احرام برای متمتع هستند.

ممکن است گفته شود اگر بعدیت خصوصیت داشته باشد، لازمه‌اش این است که در فرض تقدم اعمال مکه نیز لازم باشد پس از اعمال منا، حجگزار دوباره اعمال مکه را انجام دهد تا بعدیت محقق شود و این با جواز اکتفا به عمل متقدم سازگاری ندارد (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۳۰).

در پاسخ می‌توان گفت که بعدیت، چنانچه از روایت استفاده می‌شود، برای حجگزاری که به طور معمول و با رعایت ترتیب و بدون وجود هرگونه عذری در صدد انجام دادن اعمال است، خصوصیت دارد؛ از این رو مطابق نظر مشهور، غیر معذور مجاز به تقدیم اعمال مکه بر وقوفین نیست (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۷۸)؛ اما اینکه آنچه از بعدیت فهمیده می‌شود، فقط صرف رعایت ترتیب است یا جزء العله بودن، محل بحث است.

روایت دیگری که مورد استناد قرار گرفته، روایت منصور بن حازم است. البته احتمال دارد این روایت با روایت دوم متحد باشد؛ زیرا سند هر دو روایت یکسان است و علت تعدد، همان‌گونه که برخی فقهای معاصر نیز به آن اشاره کرده‌اند (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۱۰)، دو چیز است: یکی اختلاف دو روایت در الفاظ و دیگر، اینکه شیخ طوسی رحمته الله علیه این دو روایت را در دو باب مختلف نقل کرده. در این

روایت، حلیت خوردن زعفران پس از رمی و حلق، مگیا به انجام طواف زیارت و سعی، و حلیت همسر، مگیا به طواف نساء شده است و غایت بودن طواف، دلالت بر ترتیب دارد؛ چه اینکه بدون لحاظ ترتیب، غایت بودن، بدون وجه می‌نماید. بنابراین، به نظر می‌رسد روایت در صدد بیان تحقق حلیت بوی خوش و همسر با انجام مناسک، بعد از اعمال مناسک و ظهور دارد در اینکه اعمال مکه و مناسک قبل از آن، هریک جزئی از اسباب حلیت برای محرم هستند.

البته گفتنی است که اطلاق روایت فوق، حتی در فرض تعدد، برای اثبات حلیت بوی خوش با انجام اعمال مکه، چه مقدم انجام شود و چه مؤخر، ناکافی است؛ زیرا امام علیه السلام در مقام بیان حکم مکلفی است که به طور معمول در صدد انجام حج تمتع است، نه کسی که از باب ضرورت، مجاز به تقدیم اعمال مکه بر وقوفین است. بنابراین، نمی‌توان به اطلاق روایت تمسک جست.

روایت مفضل بن عمر نیز به دلیل ضعیف بودن دو راوی آن، قابل استناد نیست. اما با قطع نظر از ضعف سند، باز هم اثبات عدم حصول حلیت با تمسک به اطلاق روایت ممکن نیست؛ زیرا چنان‌که گذشت، امام علیه السلام در این دست روایات، در صدد بیان حکم معذور نیستند.

جمع بین روایات

با بررسی روایاتی که گذشت، روشن شد این روایات، حلیت بوی خوش و همسر را بر انجام اعمال مکه بعد از مناسک مناسک مناسک می‌دانند؛ با وجود این نمی‌توان به حصول یا عدم حصول حلیت بوی خوش و همسر در فرض تقدیم اعمال، به مقتضای اطلاق این روایات حکم کرد؛ زیرا آنچه عرفاً فهمیده می‌شود، آن است که این روایات، چه دسته‌ای که مورد استناد قائلین به حصول حلیت قرار گرفت و چه روایت مفضل بن عمر که یگانه دلیل روایی مورد استناد قائلین

به عدم حصول حلیت است، در مقام بیان ترتیب در فرضی هستند که اعمال و مناسک در روند عادی و بدون پیشامد ضرورت صورت گیرد و به صورت تقدیم برخی اعمال بر وقوفین در فرض ضرورت، نظری ندارد. بنابراین، حتی با پذیرش ظهور روایات صحیح‌السند در جزء‌العله بودن نیز نمی‌توان به آنها در اثبات عدم حصول حلیت استناد کرد؛ زیرا ممکن است انجام اعمال مکه، جزء‌العله درباره حجگزار غیر معذور باشد. بنابراین، امکان استفاده از دلالت روایات در پذیرش هیچ‌یک از دو قول موجود فراهم نیست.

تبادل و ترجیح

چنان‌که بیان شد، امکان تمسک به اطلاق ادله وجود ندارد و همچنین با توجه به عدم روایت صحیح‌السند در ادله منکرین حصول حلیت در فرض تقدیم اعمال مکه، مجالی برای طرح مسئله ترجیح ادله نیست؛ زیرا بدیهی است که ترجیح، فرع تعارض ادله است و تعارض، زمانی رخ می‌دهد که دو طرف از سند صحیحی برخوردار باشند؛ درحالی‌که روشن شد روایت مفضل بن عمر، از نظر سندی دچار ضعف است و قابلیت معارضه با روایات صحیح‌السند را ندارد.

اصول عملیه

تمسک به اصل عملی، در فرضی است که دست ما از ادله اجتهادی کوتاه باشد و همان‌گونه که بیان شد، در محل گفت‌وگو نیز امکان تمسک به اطلاق ادله وجود ندارد؛ از این رو باید در حکم مسئله، به اصول عملیه رجوع کرد. در این صورت، باید گفت با توجه به یقین سابقی که حجگزار به حرمت بوی خوش و استمتاع از همسر با احرام در مکه برای حج تمتع دارد، استصحاب بقای حرمت، حاکم بر حرمت بوی خوش و همسر تا زمان اتمام اعمال منا خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. در حکم مسئله مورد گفت‌وگو، دو نظریه حصول حلیت درباره بوی خوش و همسر و عدم آن برای مُحرم در فرض تقدیم اعمال مکه بر وقوفین، مطرح شده است.

۲. قائلین به حصول حلیت، به اطلاق روایات صحیح و روایات دال بر حصول حلیت خواه‌ناخواه با انجام طواف و سعی تمسک می‌کنند و در مقابل، قائلین به عدم حصول حلیت، اطلاق روایات را به صورت تأخیر منصرف دانسته و احتمال جزاء‌العله بودن طواف و سعی در تحلیل را مانع پذیرش نظریه مخالف می‌دانند. به علاوه، اینان معتقدند در فرض شک و عدم امکان استناد به روایات، استصحاب بقای حرمت و عدم تحلیل، جاری است.

۳. نتایج بررسی ادله دو طرف، حاکی از این است که برای اثبات حصول حلیت، به روایات مطلق، از این حیث که امام علیه السلام در مقام بیان حکم معذور نیستند، نمی‌توان تمسک کرد. همچنین برای اثبات عدم حصول حلیت، به ظهور برخی روایات در جزاء‌العله بودن طواف و سعی در تحلیل بوی خوش و همسر نیز نمی‌توان استناد نمود؛ زیرا ممکن است انجام اعمال مکه، جزاء‌العله درباره حجگزار غیر معذور باشد. در این صورت، دست ما از ادله اجتهادی کوتاه است و باید گفت استصحاب بقای حرمت، حاکم به حرمت بوی خوش و همسر تا زمان اتمام اعمال منا خواهد بود.

منابع

۸. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق). **الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۹. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۱ق). **مناسک الحج**، قم، مؤسسه الولاء للدراسات، چاپ اول.
۱۰. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). **الدروس الشریعیة فی فقه الإمامیة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۳. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). **قواعد الاحکام**، قم، دفتر انتشارات
۱. بحرانی، زین الدین (۱۴۱۳ق). **کلمة التقوی**، قم، نشر سیدجواد وداعی، چاپ سوم.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳. حسینی روحانی قمی، سیدمحمد (۱۴۱۹ق). **المرتقی الی الفقه الأرقی - کتاب الحج**، تهران، مؤسسه الجلیل، چاپ اول.
۴. حسینی شاهرودی، سید محمود (۱۴۰۲ق). **کتاب الحج**، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ اول.
۵. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). **دلیل الناسک تعلیقة وجیزة علی مناسک الحج (للنائینی)**، نجف، مدرسه دار الحکمة، چاپ سوم.
۶. خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسیلة**، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). **المعتمد فی شرح المناسک**، قم، منشورات مدرسه دار العلم، چاپ اول.

- اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه ۲۴. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق).
 علمیه قم، چاپ اول.
 مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام،
 بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۶. _____ (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء،
 قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۷. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ق).
 كنز العرفان فی فقه القرآن، قم،
 انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
۱۸. فخرالمحققین، محمد بن حسن
 (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح
 مشكلات القواعد، قم، مؤسسه
 اسماعیلیان، چاپ اول.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق).
 کافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ
 چهارم.
۲۰. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق).
 شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و
 الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. محقق داماد، سیدمحمد (۱۴۰۱ق). کتاب
 الحج، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
۲۲. محقق سبزواری، محمدباقر بن
 محمد مؤمن (۱۲۴۷ق). ذخیره المعاد
 فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل
 البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۳. مظاهری، منصور (۱۳۹۷ش). مناسک
 حج مطابق با فتوای امام خمینی و
 مراجع تقلید، قم، نشر مشعر، چاپ
 سیزدهم.

